

مهم این پادشاه که برای تاریخ اهمیت دارد این است که بحکم او کلیه نوشته های راجعه به مذهب و قوانین و سحر و غیره بزبان سومی ترجمه و در معبد اَرُخ ضبط شده و از این نوشته ها به حکم پادشاه آسور آسوربانی پال<sup>(۱)</sup> در قرن هفتم قبل از میلاد سوادی رداشته اند بدین ترتیب مضامین این نوشته ها و کتاب ها برای قرون بعد محفوظ مانده و اطلاعاتی راجع بفسق از آن عهد بدست آمده سارکن باعیلام جنگ کرده ولیکن معلوم نیست که عیلام در این زمان جزو اگد گردیده باشد همینقدر محقق است که اگدبها مملکت عیلام را غارت و محصول مزارع آنها را لگدکوب نموده اند شاید عیلام در این زمان باجی باگدی ها میداده است بعد از سارکن فتوحات اگدی ها ادامه مییابد چنانکه استیلی که درمرکان یافته و یکی از کشفیات نرک او در شوش است نشان می دهد که یک پادشاه اگدی جنگ هائی با همسایه ها نموده و فاتح شده پادشاه مذکور که موسوم به نَرَم سِین<sup>(۲)</sup> بوده در بلوک لولویی فتوحاتی کرده این بلوک اسم محلی است که میتوان گفت مابین بغداد و کرمانشاهان امروزه واقع بوده استیل مذکور که معروف به استل نرم سین گردیده بخومی نشان میدهد که در لشکر پادشاه مزبور یک عده سپاهیان حبشی بوده اند کتیبه هائی که نیز در این بلوک دردره حلوان یافته اند فتوحات پادشاه دیگر اگدرا موسوم به آنوبانی نی<sup>(۳)</sup> نشان میدهد در این ناخت و ناز اگدبها به صفحات مجاور شکی نیست که مقصد عمده عیلام بوده و این مملکت باجگذار اگدی ها گردیده این مسئله که تجارنی مابین عیلام و اگد در این زمان برقرار بوده بانه روشن نشده است

(۱) — Assurbanipal .

(۲) — Naram-Sin .

(۳) — Anu-banini .

ولی از آنجا که مملکت آگد در این زمان نه فقط از حیث عملیات نظامی و فتوحات بلکه از حیث عمران و تمدن و صنایع نیز رونقی داشته و عیلام هم مملکت حاصل خیزی بوده تصور میکنند که تجارتی نیز مابین این دو مملکت میشده پس از دو پادشاه نامی مذکور معلوم نیست که پادشاهان دیگر این سلسله چه کارهایی کرده اند فقط اسامی آنها معلوم و همینقدر محقق است که بعد از چندی سلسله دیگر سامی در آگد برقرار شده و پایتخت آن در ارنج بوده

## سلسله سامی - در زمان این سلسله مردمانی که

نیز از نژاد سامی محسوب و در مشرق ذهاب دولتی تشکیل کرده بودند با آگد هجوم آوردند این مردم که موسوم به گوتی<sup>(۱)</sup> ها بودند در آگد و در صفحات شمالی و جنوبی بابل استیلا یافتند و عیلام هم در تحت تابعیت آنها درآمد مدنی بدین منوال گذشت تا آنکه پادشاه آگد اوتوخ گال<sup>(۲)</sup> پادشاه گوتی ها را موسوم به تی ری کان<sup>(۳)</sup> شکست داده بیرون کرد پس از آن در حوالی دوهزار و پانصد قبل از میلاد سومر باز رونقی از نو گرفت و شهر (لاکاش) پای تخت پادشاه بزرگی گودیا<sup>(۴)</sup> نام گردید این پادشاه ائزان را مطیع نموده بداد گری و عدالت و کمک نمودن به فقراء و ضعفاء پرداخت و معابد و ابنیه جدیدی بنا کرده مصالح آرا از شامات و عربستان و عیلام طلبید (عیلام مس داد) و بطوری که پادشاه مذکور گوید کار گر های عیلامی به لاکاش برای کار کردن در معبد رب النوع لاکاش رفته در ساختن آن شرکت نمودند تقریباً یکصد سال بعد مشاهده میشود که حکومت و اقتدار بشهر اور منتقل و

(۱) - Outi .

(۲) - Utukhogal .

(۳) - Tirikan .

(۴) - Gudéa .

در اینجا سلسله از پادشاهان محلی برقرار شده از اینکه در این زمان بجای زبان سامی که معمول زمان سارگن و غیره بوده زبان سومری استعمال میشود میتوان استنباط کرد که باز سومری ها روی کار آمده اند و ملیت سومری غلبه یافته دومین پادشاه این سلسله دُونْگِی<sup>(۱)</sup> استعمال تیر و کمان را از سامی ها اقتباس میکند و بدین جهت لشکر او قوی گشته و فتوحاتی در اطراف کرده عیلام و لولوبنی را تسخیر می نماید ولیکن از قرائن چنین بنظر می آید که حفظ نتیجه فتوحات مشکل بوده زیرا سومری ها مجبور بودند برای خواباندن شورش ها اتصالاً قشون کشی نمایند از لوحه هائی که بدست آمده چنین استنباط میشود که عیلام در این زمان کاملاً جزو سومر بوده و توسط سومری ها اداره میشده است بعضی از این لوحه ها احکامی است که صادر شده راجع باینکه بمأمورین سومری در شهر های سومر و عیلام برای ساختن ابنیه کارگر و عمله و مصالح بدهند از این لوحه ها معلوم شده است که تمام عیلام از شوش و غیره تابع سومر بوده و دونگی معبدی در شوش برای رب النوع عیلامی ها شوشی ناک<sup>(۲)</sup> ساخته است از لوحه های مزبور نیز معلوم شده است که پانسی های زیادی در عیلام بوده اند ولیکن نه از قوم عیلام و حتی یکی از دختر های پادشاه سومر در یکی از قسمت های عیلام حکمرانی کرده

## بزرگ شدن عیلام - طرز رفتار سومریها

در عیلام باعث شورشهای متواتر شد و سومریها مجبور شدند که متناوباً قشون کشی بطرف عیلام نموده نایره شورش را بخوابانند این قشون کشی ها

(۱) - Dungi(Dungui) .

(۲) - Schuschinak .

یکی از جهات ضعف و سستی سومریها گردید و بالاخره عیلامیها جنیدی تشکیل داده و بنای ناخت و ناز را در سومر گذاشته پادشاه آنرا گرفته باسارت بعیلام بردند از این بعد عیلامیها مستقل شدند بعد در حدود دو هزار و دویست و هشتاد سال قبل از میلاد پادشاه عیلام (گودورنان خونیدی) (۱) شهر اور را گرفته غارت کرد و سلسله پادشاهان آن را بر انداخت و مجسمه ربه النوع این شهر را که (نانا) (۲) یا نه نه نام داشته جزو غنایم بعیلام برد ( وقتیکه آسور بنی پال پادشاه آسور عیلامرا تسخیر کرد این مجسمه را که یک هزار و شصت و سی و پنج سال قبل از او آورده بودند بشهر مزبور مسترد داشت و بواسطه اطلاع از این واقعه محققین تاریخ تسخیر شهر اور را بدست پادشاه مذکور عیلام معین کرده اند که ۲۲۸۰ قبل از میلاد است) بعد از آن قریب به شصت سال سومر جزو عیلام بود در حدود دو هزار و دویست و سی و نه قبل از میلاد در سومر سلسله بر قرار شد که سامی و موسوم به (نی سین) (۳) بود و ۲۲۵ سال سلطنت کرد سامی شازده تفر از پادشاهان سلسله مزبور بدست آمده و نیز معلوم است که در ۲۱۱۵ قبل از میلاد پادشاه عیلام (ریم سین) (۴) نام این سلسله را منقرض کرده در زمان این سلسله سومر و آگد دولت واحدی تشکیل داده بودند و بعد از اینکه بدست پادشاه عیلام منقرض شدند دیگر کمر راست نکردند و ملت سومر و آگد در میان سایر ملل مستحیل گردیده از میان رفت

(۱) -- Kudur - Nankhouni

(۲) -- Nana

(۳) -- Nisin

(۴) Rimsin

# کارهایی که سومری‌ها برای

## بشر کرده‌اند - قبل از اینکه تاریخ عیلام و مردمانی را

که عیلامی‌ها با آنها مربوط بوده‌اند دنبال نمائیم لازم است بطور اختصار کارهایی را که سومری‌ها کرده و چیزهای تازه که در زندگان بشر داخل نموده‌اند بیان کنیم زیرا از این بعد دیگر آنها را بازیگران صفت عالم نمی‌یابیم کارهای این مردمان از قرار ذیل است :

۱ - اختراع خط میخی که از برای عالم قدیم اختراع مهمی بوده و اهمیت زیادی برای ترقی تمدن عالم قدیم داشته .

۲ - مدون قوانینی که پایه مدون مشهور ( هامورابی ) (۱) گردیده

۳ - علوم و صنایعی که در اینجا شروع شده و بعد از آن از ملتی به ملتی انتقال یافته و تکمیل شده تا بدرجه که امروز می‌بینیم رسیده است هر قدر تحقیقات و کاوش‌های علماء آثار عتیقه بیشتر می‌رود بلك نکته روشن‌تر می‌گردد و آن این است که یونانیهای قدیم مبادی علم هیئت و طب و همچنین صنایع را از سومریها اقتباس کرده‌اند این نکته را نیز ننگته نباید گذاشت که هنوز تحقیقات و کاوشها راجع به گذشته سومری‌ها بیپایان نرسیده است چنانکه در فوق ذکر شد تاریخ این ملت بزرگ را فقط تا سه هزار سال قبل از میلاد روشن کرده‌اند و معلوم نیست که این ملت قبل از آن تاریخ چه تمدنی داشته شاید آن تمدن هم تمدن کهنه بوده و قبل از آن نیز تمدن‌های دیگری وجود داشته در هر حال حل این مسائل راجع به تحقیقات و کاوشهای آتی است .

(۱) - Hammurabi

قبل از اینکه بعهد دوم تاریخ عیلام داخل شویم لازم است توجهی بامور داخلی آن کرده به بینیم از این حیث این دولت در چه حالی بوده تاریخ این زمان که تقریباً در حدود ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد است درست معلوم نیست اسامی پادشاهانی که در عیلام سلطنت کرده اند بدست آمده ولیکن هنوز نتوانسته اند زمان سلطنت آن ها و کارهایی را که کرده اند بتحقیق معین کنند همینقدر معلوم است که عیلامیها از حیث تمدن از همسایه های غربی (سومریها و مردمان بنی سام) پست تر بوده اند و چون مملکت آن ها بیشتر کوهستانی بوده و راههایی که مساعد با تجارت باشد وجود نداشته این ملت از مراکز عمران و تجارت دنیای آن روزی دور بوده و از حیث تشکیلات مملکتی نیز این طور استنباط میشود که باستثنای موافعی که دشمن خارجی استقلال عیلام را تهدید میکرد هر يك از اقوام و طوایف زندگانی سیاسی و اجتماعی جدا گانه داشته اند بخصوص مردمان کوهستانی آن که همیشه استقلال خود را حفظ میکردند چنانکه عقیده دُمرکان این است: وقتی هم که ملل خارجه عیلام را تابع میکردند اهالی کوهستانی آن مستقل می ماندند دُمرکان و هم چنین نویسندگان دیگر فرانسوی را عقیده آن است که غلبه عیلامیها بر سومریها و مردمان بنی سام نتایج تاریخی زیادی در بر داشته بدین معنی که بقدری عیلامی ها با خشونت و به قسمی وحشیانه نسبت بملل مغلوبه رفتار کرده اند که آنها از ترس جان خود از مساکن و اوطان خود فرار کرده هر کدام بطرف مهاجرت نموده اند بنا بر این نظر عقیده دارند که يك قسمت از اهالی که در رأس خلیج فارس و بحسین زندگی میکردند بطرف شامات رفته دولت (فنیقه) را تشکیل کردند و بعد چنانکه معلوم است در تجارت و دریا نوردی معروف شدند گروهی که رب النوع (آسور) را پرستش میکردند بطرف قسمت وسطی رود

دجله و کوهستانهای مجاور آن رفته تاسیس دولت (آسور) (۱) را نمودند و مهاجرت حضرت ابراهیم با طایفه خودش به فلسطین نیز از ارات همین واقعه است و بالاخره هجوم هیكسوس های سامی نژاد (۲) بمصر و تاسیس سلسله از سلسله های فراعنه در آن مملکت نیز از نتایج غلبه عیلامی ها بر ملل بني سام بوده از طرف دیگر (کینگ) بر این عقیده است که غلبه عیلامی ها در ممالک غربی دوامی نداشته زیرا عیلامی ها مردمان جنگی بودند ولی استعداد اداره کردن را نداشته اند و غلبه و استیلای آنها بیشتر شبیه بتاخت و تاز بوده نه به تسخیر و حفظ مملکتی بنا بر این ممالک تابعه بزودی از تصرف آنها خارج شدند و شامات مملکتی بوده که زودتر از سایر ممالک از عیلام جدا شده پس از آن از کتیبه هائی که بدست آمده چنین استنباط میشود که سلسله [نی سین] که در فوق ذکر شد مجدداً عیلام را مطیع کرده کلیه این قسمت از تاریخ عیلام تاریک و مندمج است

(۱) — آسور را آشور گفته و نوشته اند و صحیح نیست یعنی تلفظ عبری است خود آسوریا آشور میگفته اند و پارسهای قدیم اثورا بنا براین آشور مورد ندارد و املاء صحیح آن آسور است

(۲) — Hyksos

# عهد دوم

از ۲۲۲۵ - الی ۷۴۵ قبل از میلاد

در این عهد همسایه و طرف عیلام دولت بابل است و برای فهم مطالب راجعه بدین عهد لازم است مختصری از تاریخ دولت مزبوره گفته شود زیرا تاریخ عیلام با تاریخ این دولت ارتباط تام دارد

## بزرگ شدن بابل - چنانکه در فوق گفته شد

مردمی از طرف مغرب بمملکت سومر و آگد آمده بر آن غلبه یافتند و چنانکه دیدیم سلسله هائی از پادشاهان در آنجا ایجاد کردند این مردم از نژاد سامی بودند بعقیده محققین مردمان سامی همیشه از شبه جزیره عربستان بیرون آمده بطرف ممالکی که در کنار رودخانه های بزرگ یا دریاها واقع شده و از حیث آب و هوا و زمین های حاصل خیز بر عربستان کویر مزیت دارد متوجه شده اند در این مورد هم مردم تازه نفس سامی بواسطه نیروی عظیم و طاقت تحمل سختی ها که در مردمان صحرا گرد موجود است و از طرف دیگر بجهت ضعف و سستی که بر مردمان بومی از جنگها و تمدن کهنه مستولی میشود در مملکت سومر و آگد و نیز در صفحات مجاور آن غلبه تامه یافتند و شهر بابل را که بنای آن از زمان بسیار قدیم سومری ها و آگدی ها است بزرگ نموده دولتی تشکیل دادند که ابقت و نفوذ آن را در ادوار بعد تمام عالم قدیم حس کرد.



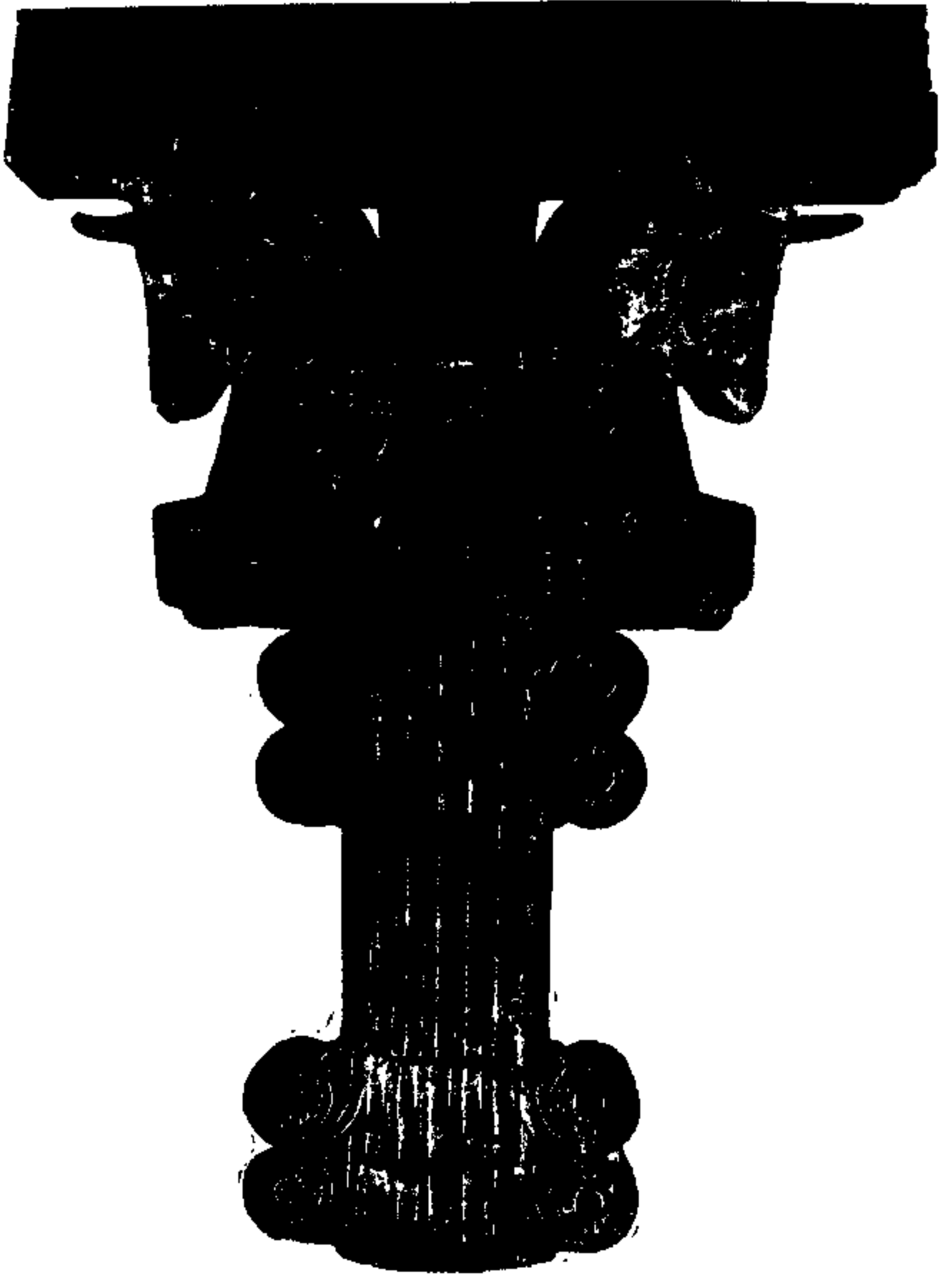
## سلسله اول - پادشاهان نخستین سلسله سامی که در بابل

سلطنت کرده اند یازده نفر بودند (۱) و زمان سلطنت این سلسله از ۲۲۲۵ الی ۱۹۲۶ قبل از میلاد است از پادشاهان این سلسله بزرگتر و برجسته تر از همه هامورابی - ششمین پادشاه سلسله بود که از ۲۱۲۳ تا ۲۰۸۰ سلطنت کرد مدون قوانین او را در حفريات شوش یافته اند و حالا در موزه لوور<sup>(۲)</sup> پاریس است این قدیم ترین مدون قوانینی است که تا حال بدست آمده و قدیمتر از آن قسمتی از قوانین سومری است مدون هامورابی روی سنگ يك پارچه ستیل<sup>(۳)</sup> کنده شده و بطوری که دیده میشود راجع به عبادات و امور مذهبی نیست زیرا مربوط به زراعت و آبیاری و کشتی رانی و خرید غلام و کنیز و تکالیف آنها نسبت بموالی و مجازات ها و ازدواج و حقوق و میراث و غیره است بطوریکه معلوم شده است مدون مذکور در ادوار بعد هم در بابل معمول بوده و بابلی ها زندگانی خود را موافق این قوانین اداره می کردند مبانی اخلاقی قوانین مذکوره جالب توجه علماء است و وجود چنین مدونتی را در آن عهد دلیل تمدن عالی بابلی ها و سومری ها میدانند چنانکه مشاهده می شود این مدون اثراتی هم در قوانین بعضی از ملل آسیای پیشین گذاشته هامورابی علاوه بر مدون مذکور کار های دیگری نیز کرده مثل این که ریم سین پادشاه عیلام را از شهر لارسا بیرون کرده (۲۰۹۳) و از اینجا معلوم است که بابل در صدد جمع کردن شهرها و بسط مملکت خود بوده

(۱) - آنچه محقق است این عهد است ولیکن از فهرست های دیگری که بدست آمده ممکن است بیشتر هم باشد

(۲) - Louvre .

(۳) - Stèle.



شوش - سر ستون قصر اردشیر دوم هخامنشی - در موزه لوور پاریس



شمس‌الرب النوع زرگ کلدی به هامورابی (حورابی بابلها) میدهد و اورا امر بنوشتن قانون میکند سنگی که قانون مزبور بر روی آن منقور است قریب ۲ ذرع و ۱۴ کره ارتفاع دارد و محیط آن قریب بیك ذرع و ۱۴ کره است استل مزبور از کشفیات هیئت علمیه فرانسه در شوش و حالا در موزه لوور پاریس است

## سلسله دوم - (از ۲۰۶۸ تا ۱۷۱۰) پادشاهان

آخری سلسله اول دچار جنگهای پی در پی با پادشاهان سلسله دوم شده اند اسامی بازده نفر از این سلسله محقق است و اول شخصی که از این سلسله در زمان یسر هاتورابی مستقل شده ( ایلوما ایلو ) (۱) نام داشته سلطنت او و جانشین های او بر قسمت جنوبی یعنی سواحل خلیج فارس بوده و بدین جهت این سلسله معروف به سلسله صفحات دربائی گردیده سلسله اول علاوه بر جنگ هائیکه با پادشاهان سلسله دوم کرده از طرف شمال دچار حملات مردمان قوی هیت<sup>(۲)</sup> یا هیت تیت گردیده و منقرض شده

ولیکن سلطه هیت ها در آنجا دوامی نداشته زیرا مردمان دیگری موسوم به کاسیت ها که در کوهستان عیلام میزیسته اند بیابل هجوم آورده هیت ها را اخراج و سلسله خود را در آنجا بر قرار کرده اند این سلسله موسوم به سلسله سوم است اوضاع داخلی عیلام در دوره سلسله اول پادشاهان بابلی باز درست معلوم نیست همینقدر روشن است که هر

(۱) - *Ilumailu*.

(۲) - از مردمان مذکور تا چهل سال قبل هیچ نوع اطلاعی در دست نبود و فقط اسمی در ( ایلاد ) شاهکار ( هومر ) یونانی از این مردم دیده می شد ولیکن حفاریات ( کلراکامش ) پایتخت قدیم آنها که در کنار فرات واقع بوده و نیز نتیجه حفاریات مصر و جا های دیگر روشنائی زیادی بگذشته های این مردمان انداخته و معلوم کرده که اینها در حدود هزار و هفتصد سال قبل از میلاد دولتی در آسیای صغیر ( طرف شرقی آن ) تاسیس کرده اند که در دوره های بعد قوی و یکی ازدول معظمه عهد خود گردیده و هزار سال وجود داشته تا بدست آشورپها منقرض شده این مردمان مثل عیلامی ها و کاسو ها معلوم نیست از چه نژادی بودند ولیکن از زبان آنها چنین استنباط میشود که به تورانیهای آلتائی نزدیکترند عهد نامه (رامزس دوم) فرعون معروف مصری با پادشاه هیت ها که عهدنامه اتحاد تدافعی و تعرضی بوده و در مصر و (کلراکامش) بدست آمده یکی از شیرین ترین اسناد تاریخی است و منجمه معلوم میکند که زبان بابلی زبان بین المللی آن زمان بوده زیرا در هر دو نسخه زبان بابلی در ردیف زبان مصری یا زبان هیت ها استعمال شده

چند سانسوایلونا (۱) پسر هامورانی پادشاه عیلام را موسوم به کودور مابوک (۲) شکست داده باز عیلام استقلال داشته و سلسله انزانی در اینجا سلطنت میکرده بر سلسله خون بان نوینا (۳) نامی بوده که برای استحکام مبانی دولت عیلام کوشیده و پسرش خرابی ها را تعمیر کرده از اینکه در خرابه های معابد آجر های زیادی با اسم او بدست آمده معلوم میشود که خیلی مقدس بوده

## سلسله کاس سیتها - چنانکه مینویسند

کاسیت ها مردمانی بودند که در کوه های زاگرس نزدیک کرمانشاه امروزه یا در طرف شمال عیلام میزیسته اند بعضی تصور میکنند که اینها قومی از مردمان آریانی بوده اند چه رب النوع بزرگ آنها رب النوع آفتاب بوده و سوریاش نام داشته و این کلمه آریانی است (۴)

این قوم مملکت بابل را تسخیر و سلسله بنا کرد که ششصد سال سلطنت نمود (از ۱۹۲۵ الی ۱۱۸۵ قبل از میلاد) ولیکن معلوم است که اگر هم کاسیت ها آریانی بوده اند نظر به تمدن عالی تر بابلیها در ازمنه بعد بابلی شده اند در زمان این سلسله دولت آسور شروع به بزرگ و قوی شدن نمود و دو دفعه آسور بها بابل را گرفتند (در ۱۲۷۵ و در ۱۱۰۰ قبل از میلاد) ولیکن استیلای آنها موقتی بود و بالاخره این جنگها بشکست آسور منتهی گردید در زمان این سلسله روابط

(۱) — *Samsu-iluna.*

(۲) — *Kudar-Mabug.*

(۳) — *Khumban-Numena.*

(۴) — اگر این عقیده محقق شود باید گفت که آمدن مردمان آریانی نژاد بغلات ایران لااقل دو هزار سال قبل از میلاد بوده

حسنه بابل با مصر حفظ و تأیید میشده چنانکه نوشتجاتی از این روابط بدست آمده و نیز در زمان ککائیت<sup>۱</sup> ها اسب برای کشیدن عرابه ها استعمال شده تاریخ عیلام راجع به این دوره باز روشن نیست ولیکن دیده میشود که عیلام دولت مستقل و حتی دولت با نفوذ و مقتدری است و جنگ ها ما بین آن و بابل دوام دارد مثل جنگ خور<sup>۲</sup> با نیلا (۱) پادشاه عیلام با گوری گالزو<sup>۳</sup> (۲) پادشاه بابل از پادشاهان عیلام که بابل را تسخیر و غارت کرده اند شو تروک<sup>۳</sup> ناخون تا (۳) معروف ترین آنها است این پادشاه بعد از تسخیر بابل تمام اشیاء نفیسه تاریخی بابل را به شوش برد منجمله استل نرم سین بود که در فوق ذکرى از آن شده ( این سند تاریخی را سه هزار سال بعد هیئت علمی فرانسوی در شوش بدست آورد ) و دیگر مجسمه رب النوع بزرگ بابی پل ماردوک<sup>۴</sup> بود که سی سال در شوش ماند و بعد بیابان مسترد گردید جنگ ها و تاخت و تاز های عیلامی ها بالاخره سلسله ککائینها را از پای در آورده و منقرض کرده بعد از پادشاه مذکور عیلام شیل<sup>۵</sup> خاکین شوشی ناک<sup>۶</sup> به تخت عیلام نشسته این پادشاه سائس و مدبر بزرگی بوده و بناهای زیادی کرده یکی از کارهای او که مورد قدر شناسی علماء آثار عتیقه است و هیئت علمی فرانسوی مخصوصاً در پیشرفت های خود در شوش مرهون آن میباشد این است: این پادشاه هر بنائی را که تعمیر میکرد می نوشته این بنا را کی ساخته بود و چه کتیبه داشته و عین آن کتبه را که بزبان سامی بوده می نویساند و ترجمه ازانی را بدان علاوه می کرده این نوع مراقبت فوق العاده پادشاه مزبور در حفظ آثار قدیمه کک<sup>۷</sup> بزرگی بخواندن زبان های قدیم عیلامی از ادوار مختلفه نموده

(۱) — *Khurbatila.*

(۲) — *Kurigalzu.*

(۳) — *Schutruk-Nakhunta.*

زیرا ما بین کتیبه های قدیم و کتیبه های این پادشاه ادواری گذشته که لا اقل دو هزار سال مدت آنها است کلیه آثار آثاری که از زمان این پادشاه بدست آمده مثل ستون های برنجی و استلها و آجرها و کتیبه ها و غیره محقق شده که در زمان او ادبیات و صنایع عیلامی به اوج رقی خود رسیده بود

## سلسله چهارم موسوم بسلسله

پاش ها - در ۱۱۸۴ سلسله جدیدی باین اسم که اسم یکی

از محلات بابل است در بابل برقرار شد و جنگی با عیلام به پیشرفت بابلیها وقوع یافت و در نتیجه مجسمه هاردوک را که عیلامی ها در جزو غنائم به شوش برده بودند مسترد کردند یکی از معروفترین پادشاه این سلسله بخت النصر نابوگدننازار<sup>(۱)</sup> اول میباشد که حدود بابل را تا بحر مغرب (مدی ترانه) توسعه داد سلطنت او تا ۱۰۵۳ امتداد یافته و عیلام در این دوره غالباً مستقل بوده

## سلسله پنجم موسوم به بازی - این

سلسله از حدود ۱۰۵۲ تا ۱۰۳۲ در صفحات دریائی - سلطنت کرده و سلسله دوم این صفحات است در زمان آنها باز عیلام بابل را تسخیر کرد و یکی از پادشاهان عیلامی بر بخت بابل نشست ولیکن پیش از شش سال دوام نکرد بابل در زمان این سلسله بواسطه تاخت و تاز مردمان صحرا کرد گوئیان<sup>(۲)</sup> از طرف شمال و فشار عیلامی ها از طرف مشرق ضعیف و ناتوان گشت بخصوص که گوئیان ها مزارع بابلیها را خراب و

(۱) - *Nabukodnazar.*

(۲) - *Qutien.*

شهرهای مملکت را غارت و معابد را زیر و زیر کردند در این احوال پادشاه بابل آداد آپلو و دین (۱) که تخت بابل را غصب کرده بود از آسور بهای کم طلبیده دختر خود را به پادشاه آسور داد عیلامی ها هم از موقع استفاده کرده سلطه خود را در بابل برقرار کردند و یکی از پادشاهان عیلامی در اینجا بتخت نشست و اسم بابلی اختیار کرد

مقارن این احوال مردمان نازه نفس دیگری موسوم به کلدانیها از طرف شمال شرقی عربستان سر در آورده حمله بمملکت بابل نمودند و یک مدعی بر دو مدعی دیگر (آسور و عیلام) افزود این دوره که از ۹۷۰ تا ۷۳۲ قبل از میلاد امتداد داشت پُر بود از منازعات و جنگها و اغتشاشات و هرج و مرج خلاصه وضعیات این بود که کلدانیها بتقویت عیلامیها میخواستند تخت بابل را اشغال کنند بالاخره جنگها در سلطنت نبونصیر (۲) پادشاه آسور به پیشرفت او خاتمه یافت و بابل جزو دولت آسور جدید گردید (۷۳۲)

(۱) — *Adad-Aplu-iddin.*

(۲) — *Nabu-Natsir.*



# عهد سوم

از ۷۴۵ تا ۶۴۵ قبل از میلاد

در این عهد طرف عیلام آسور است برای فهم وقایعی که ذکر خواهد شد لازم است بک نظر اجمالی بتاریخ آسوریهها بیفکنیم آسوریهها چنانکه از تاریخ آنها معلوم است مردمان بودند از نژاد سامی که با مردمان سامی نژاد دیگر در بابل زندگی میکردند در ازمنه بعد آسوریهها مهاجرت کرده به قسمت وسطای رود دجله و کوهستان های مجاور آن رفته در آنجا تأسیس مملکت کوچکی کردند که موسوم به آسور شد (چنانکه در فوق گفته شد جهت این مهاجرت را بعضی از محققین از فشار عیلامی ها میدانند) اسم این مردم از اسم رب النوعی است که پرستش میکردند و آسور نام داشت پای تخت این مملکت در ابتداء شهر آسور بود ولیکن در ادوار دیگر شهر کالاه (۱) که در جای نمرود جدید واقع بود و بالاخره نینوا (۲) پایتخت گردید حکمرانان آسور را مثل حکمرانان شهر های سومر و آگد و بابل پاتسی میگفتند معلوم است که در ابتداء آسوریهها تابع بابل بودند چنانکه در دفعه اولی که اسم شهر آسور برده می شود در زمان هامورابی پادشاه معروف بابل است و چنین استنباط میشود که آسور در این زمان نیز جزو دولت بابل بوده محققاً معلوم نیست که در چه تاریخ آسور مستقل شده ولیکن در هر حال تاریخ استقلال آن ما بین قرن هیجدهم و پانزدهم قبل از میلاد است آسوریهها مردمانی بودند زارع و وقتی که مملکت جدید آمدند مشاهده کردند که در اینجا اراضی قابل کشت بالنسبه کم است و زمین هم مثل

(۱) — *Kalah یا Kalakh.*

(۲) — *Nineveh.*

زمین های بابل حاصلخیز نیست بنا بر این تصمیم گرفتند که از دسترنج دیگران تعیش کنند این است که میبینیم در بهار هر سال آسوری ها بتاخت و ناز در ممالك مجاوره میپردازند با این مقصود که مملکتی را باج گذار یا ممالك و شهر های باغی را غارت نمایند و از اهالی هر قدر لازم بدانند بکشند و باقی را به اسارت به مملکت خود آورده بکار های سخت وادارند و در فراوانی و ناز و نعمت زندگی گذنند طبیعی است که دولت آنها موافق این مقصود درست شده بود و از حیث تشکیلات و ترتیبات شبیه دولت بابل نبود در سومر و بابل چنانکه دیدیم شهرها حکمرانانی داشتند موسوم به پاتی و روحانیینی باعلا درجه قوی و متنفذ چنانکه میتوان گفت که این دولت ها در واقع دولت های ملوک الطوایفی و روحانی بودند ولی دولت آسور مبنایش بر طبقه زارعین آزاد گذارده شده بود زیرا زارعین قشون آسوری را تشکیل می دادند و جنگ و ناخت و ناز حرفه این ها بود بدین جهت جای تعجب نیست که دولت آسور يك دولت قوی نظامی شد و قشون آن سرآمد قشون های عهد قدیم گردید آسوریها در فنون نظامی و اختراع آلات و ادوات جنگی و محاصره و غیره شهرتی بسزا یافتند و مهارت آنها در فن محاصره ضرب المثل عهد قدیم شد از اختراعات آنها منجمله تشکیل سواره نظامی بود که دور از اردوی اصلی عملیات میکرد و دشمن را قبل از رسیدن قواء اصلی خسته و فرسوده و مرعوب مینمود سایر ملل که بعد از آسوریها آمدند حتی رومیها چیز های زیادی راجع بفنون جنگی و محاصره از آنها اقتباس کردند یکی از خصائص آسوریها سختی و بی رحمی فوق العاده آنها با اهالی مغلوبه بود (چنانکه نمونه از آن در باره عیلام و عیلامیها خواهیم دید) این دولت تقریباً هزار سال دوام نمود و حدود خود را از هر طرف توسعه داد از طرف مغرب و جنوب

غربی دولت (هیت ها) را در هم شکست و فنیقیه و فلسطین را تابع نمود و بمصر دست انداخت از طرف مشرق و جنوب شرقی تا کوه دماوند و کویر بزرگ ایران پیشرفت و مدها و پارسى هارا دست نشانده خود نمود و عیلام را چنان خراب کرد که این مملکت باستانی سه هزار ساله دیگر کمر راست نکرد دولت آسور بالاخره بدست مدها (که نیز فنون جنگی را در مکتب عمل از آنها آموخته بودند) منقرض شد این نکته را باید در نظر داشت که ترقی آسور و جهانگیری آن يك امر تدریجی نبود بلکه در مدت عمر آن مکرر می بینیم که گاهی بواسطه پادشاهی باوج بزرگی و قدرت میرسد و بلافاصله پس از آن در اثر وقایعی ضعیف و کوچک میشود و بهمین جهت نسبت به بابل یعنی مملکت مادری خود گاهی غالب و آقا است و گاهی مغلوب و دست نشانده راجع به زبان آسوری باید در نظر داشت که همان زبان بابلی بوده و خط آسوری نیز خط میخی است و کتیبه ها و کتابت های زیادی از پادشاهان این مملکت مانده زیرا به ضبط وقایع علاقه مند بودند ولیکن نباید تصور کرد که کتابهای آنها مثل کتابهای ما بود زیرا در آن زمان کاغذ هنوز اختراع یا معمول نشده بود بنا بر این لوحه هائی از گِل کوزه ترتیب میدادند و پس از نوشتن مطلب آنها را در آتش پخته و بعد ضبط میکردند بدین ترتیب کتابها و کتابخانها از آنها ترکیب و تشکیل میشد این لوحه ها که در موقع انهدام نیشوا زیر خاک رفته حالا بواسطه حفريات بیرون میاید و يك منبع صحیحی برای روشن کردن تاریخ عهد قدیمه است چنانکه در موزه (لووز) پاریس چندین هزار از این الواح موجود است و بواسطه این لوحه ها تاریخ آسور بقدری روشن شده است که امروزه آنرا تقریباً مثل تاریخ یونان قدیم میدانند آسوریها در صنایع نیز شهرت بزرگی داشتند و آثار زیادی از خود گذاشته اند چنانکه از خرابه های ابنیه و عمارات آنها پیداست پادشاهان آسوری

دو چیز را از تکالیف خود میدانستند جنگ و بنای شهر جدید ( یا تغییر دادن شهر قدیم ) و تزئین آن با ابنیه عالیه از قصور و معابد و غیره که با زحمت و مشقت اسراء ساخته میشد بنا بر این در این مملکت صنعت معماری و حجاری و کتیبه نویسی و ساختن صورتهای منقور بر جسته در سنك (۱) ترقی شایانی داشته و بعضی از کارهای آسوریها که شکار پادشاهان یا مجالسی را نشان میدهد باندازه موافق باحقیقت و طبیعت است ( مخصوصاً حرکت حیوانات مثل اسب و آهو و غیره ) که باعث حیرت استادان امروزه اروپائی است در صنایع دیگر نیز مثل صنعت زرگری و مکتب کاری و کاشی سازی و غیره آسوریها ماهر بودند و ( فنیهای ) از روی نمونه های آنها اشیاء زیادی ساخته در عالم قدیم منتشر کردند در ازمنه بعد از نمونه ها و سرمشق های مزبوره در ممالک غربی ( اروپائی امروزه ) تقلید نمودند و ایجاد صنعت در آن ممالک شروع شد تاریخ آسور به سه عهد تقسیم میشود

## عهد اول آسور قدیم - این عهد از سال هزار و

پانصد شروع شده به سال نهصد قبل از میلاد خاتمه مییابد بزرگترین پادشاه این دوره ( تیکلات پی لیستر ) (۲) اول است که فتوحات زیادی در بابل و ایران و جاهای دیگر میکند ولی بابل دومرتبه موفق میشود که آسور را دست نشانده خود کند از وقایع مهمه این دوره پیدایش قوم صحرا گرد تازه نفس جدیدی است که از عربستان بیرون آمده بابل و آسور را در فشار میگذارند ( تقریباً ۱۳۰۰ قبل از میلاد ) این مردمان در تاریخ به آرامی ها موسومند اینها اول حمله به بابل بردند

(۱) این نوع حجاری را ( بارلیف ) گویند ( Bas-Relief )

(۲) - Tiglath-Pilster

ولی بابلیها در بعضی قسمتهای بابل در مقابل آنها مقاومت کردند و بالاخره آرامیها هجوم به آسور برده این دولت را منقرض نمودند ( کلیة تاریخ این زمان تاریک است ) پس از آن آرامیها به شامات رفته دمشق و حلب و سایر شهرهای آنرا گرفتند ( ۱۱۰۰ ق م ) (۱) و زودی در تجارت قوی شدند آرامیها اسلوب خط ( فنیقی ) ها را اقتباس کرده خط آرامی را ترتیب دادند و بعد چنانکه خواهیم دید این خط جایگیر خطوط میخی گردید و در ایران و آسیای وسطی منتشر شد

## عهد دوم آسور وسطی - در این عهد

که از نهمصد تا هفتصد و چهل و پنج قبل از میلاد امتداد میدیابد آسور بر آرامیها فائق آمده از نو دولت آسور تشکیل میشود این دولت فعالیت حیرت انگیزی در جهانگیری بروز میدهد بزرگترین پادشاه این عهد آسور نصیر پال (۲) است که آسور را محدود زمان (تیکلات پنجم) اول میرساند ( ولیکن بی رحمی های او اسم او را لکه دار کرده زیرا چنانکه نوشته اند بچه های اسرا را از پسر و دختر زنده در آتش میسوزانیده است ) اگر چه آسور در این عهد قوی ترین دولت آسیای غربی بنظر میآید و فقط عیلام و مصر مورد حمله آن واقع نشده اند ولی دیری نمیگذرد که مردمان شمالی که در ارمنستان امروزه سکنی داشتند بر ضد آسور قیام و دولت (آرارات) (۲) یا آغری داغ را تشکیل میکنند و بعد سایر ملل تابعه نیز از اطاعت آسور سر می پیچند و بالاخره شورش در آسور این عهد را هم پائنها میرساند

(۱) ق . م یعنی قبل از میلاد

(۲) - Assur-Natzirpal

(۳) - Ararat

## عهد سوم آسور جدید - این عهد

از ۷۴۵ تا ۶۰۵ ق. م. سال امتداد دارد از پادشاهان این عهد آنهاست که نامی هستند از این قرارداد تیگلات پی لیستر چهارم که به بابل قشون کشی کرده آرامیها و کلدانیها را شکست داده بابل را مطیع میکنند و بعد بطرف شمال متوجه شده قسمت های جنوبی دولت آزارات را به آسور ضمیمه مینماید ولی موفق نمیشود آزارات را بگیرد پادشاه معروف دیگر این عهد (سارگن) (۱) دوم است که از ۷۲۲ تا ۷۰۵ سلطنت کرده از زمان او قشون آسور از حالت قشون ملی خارج میشود توضیح آنکه پادشاهان سابق آسور فوق العاده مهم میدانستند که قشون از طبقه زارعین آزاد تشکیل شود ولیکن روحانیون که اراضی زیادی داشتند و از مالیات معاف بودند نمیخواستند زارعین در قشون داخل شوند بالاخره مقرر شد که بجای زارعین اسرا را به کارهای فلاحی وادارند تا زارعین بتوانند خدمات عسکری را انجام نمایند چون روحانیون از این حکم ناراضی بودند انقلابی بر پا کردند که منتهی به تعیین سارگن دوم به پادشاهی (بدستاری روحانیین) گردید و سلسله جدیدی شروع شد از این به بعد دولت مجبور شد که کسری افراد را اجیر کند و معلوم است که این نوع نظامیها در موقع سخت فرار میکردند و از این به بعد پایه دولت آسور که بر قشون ملی بود متزلزل گردید در این عهد طرفیت آسور با عیلام شروع گردید و این دولت به دست آسوریها منقرض شد خلاصه جنگهایی که این دو ملت قوی کرده اند این است :

(۱) - Sargon II

## جنگ اول - عیلام تا عهد سوم با آسور همسایه نبود

زیرا ما بین این در دولت مردمان کوهستان واقع شده بودند ولیکن در زمان تیگلات بی سیز چهارم آسوربها با مردمان مزبور جنگیده بعضی از آنها را کاملاً مطیع نمودند و برخی را نیم مستقل گذاردند و بدین ترتیب آسور همسایه عیلام گردید دولت عیلام از راه مال بینی یا بابل که نیز از تسلط آسور در زحمت بود اتحادی نمود که با هم مهالك خودشانرا از آسور حفظ کنند سارگن دوم همینکه خبر این اتحاد و تجهیزات عیلامی را شنید مصمم شد که فرصت به متحدین نداده بپردو حمله کند بنا بر این قشون آسور حمله بعیلام برد قبل از اینکه کهکی که عیلامی ها از طرف بابل منتظر بودند رسیده باشد قشون عیلامی با وجود این برای جنگ حاضر شد اما اوضاع و احوال تماماً به منفعت آسور بود زیرا اولاً دولت آسور تشکیلاتش بهتر از تشکیلات دولت عیلام بود و آسوربها متمدن تر از عیلامی ها بودند ثانیاً سواره نظام آسوری از حیث عدد و هم از جهت تشکیلات و مشق بر سوار نظام عیلامی تفوق داشت ثالثاً اسلحه تعرضی و تدافعی آسوربها بمراتب بهتر از اسلحه عیلامیها بود سربازان عیلامی زره نداشتند و بعلاوه سپرهایشان سبك بود در صورتیکه آسوربها دارای زره و اسلحه های گوناگون از کمانهای خوب و سپرهای آهن و نیزه و قداره و گرز و غیره بودند و عرابه های آنها نیز بهتر از عرابه های عیلامی بود با وجود این عیلامیها مردانه جنگیدند و آنقدر با فشاری کردند که آسوری ها نتوانستند موفقیتی حاصل کنند و عقب نشینی اختیار کردند اگر چه ظاهراً جنگ بی نتیجه ماند ولیکن در معنی آسوربها شکست خوردند این جنگ از اسم محل موسوم است

به جنگ دوری <sup>(۱)</sup> پس از این واقعه آسور بچنگ بامضر و فلسطین و هیت ها و غیره پرداخته در همه جا پیشرفت نمود و مملکت هیت جزو آسور گردید - جزیره قبرس هدایا به نینوا فرستاد و ساماری <sup>(۲)</sup> از فلسطین مجزی و تابع آسور شد

## جنگ دوم و سوم - بعد از سارکن دوم

سین ناشریب <sup>(۳)</sup> بر تخت آسور نشست در این اوان انقلابی در عیلام روی داد توضیح آنکه پادشاه عیلام کال کُودوش <sup>(۴)</sup> را محاصره کرده گرفتند و کشتند پادشاه آسور از این واقعه استفاده کرده از طرف جنوب عیلام (سواحل خلیج فارس) داخل جلگه شوش گردید و بطوریکه خودش در کتیبه نوشته می و چهار قلعه و برج را گرفته خراب کرد و اهالی آنها را باسارت به آسور برد در اینموقع عیلامی ها کُودور ناخون دی <sup>(۵)</sup> را به پادشاهی معین کردند ولیکن او در کوهستان مانده اقدامی برای جلوگیری از آسوریها نکرد و اینها چون وضع را اینطور دیدند بطرف مادا گتو <sup>(۶)</sup> که در کوهستان بود حمله بردند ولیکن چون باران و برف راهها را غیر قابل عبور کرده بود بالاخره آسوریها عقب نشینی و باسور مراجعت کردند و مردم عیلام چون از کُودور ناخون دی بواسطه بی قیدی که نشان داده بود ناراضی بودند او را گرفته کشتند (۶۹۲ ق. م) و بجای او اوم مان می تانو <sup>(۷)</sup> نامی را بسلطنت انتخاب کردند این پادشاه سر و صورتی بنفشون عیلام داده ماندازه آن را قوی کرد که بابل مقدم برای

(۱) — *Durilu.*

(۲) — *Samarie.*

(۳) — *Sennascherib.*

(۴) — *Kalludusch.*

(۵) — *Kudur-Nakhundi.*

(۶) — *Madaktu.*

(۷) — *Umman-Minanu.*



انحادی باعیلام بر ضد آسور گردیده از خزائن ارباب انواع بابل و جوهی برای تجهیزات به عیلام داد و این دولت از عیلامیها و مردمان دیگر فلات ایران ( که در این زمان آریایی بودند ) قشون مهمی تهیه کرد و جنگ با آسور در گرفت این جنگ خونین بود چه طرفین مقاومت نمودند و باوجود اینکه سردار قشون عیلامی کشته شد باز عیلامی ها آن قدر پافشاری کردند که جنگ بی نتیجه ماند و فریقین بخانه های خود مراجعت کردند سال بعد ( ۶۸۹ ) سین ناشریب بطرف بابل قشون کشی کرده شهر را محاصره نمود و عیلامی ها بواسطه کسالت پادشاه ( که فلج شده بود ) نتوانستند ببابل کمک کنند بدینجهت بابل بزودی تصرف آسور بها در آمد این دفعه شهر به نظامیان برای کشتار و غارت داده شد - دیوار و برج و باره های بابل با خاک یک سان گردید و خانه ها بغارت رفت بعد از سن ناشریب اسار هادون<sup>(۱)</sup> بر تخت آسور نشست و خرابی های بابل را مرمت نمود بطوریکه دروازه ها و برج و باره های شهر از نو ساخته شد پادشاه عیلام خوم بان خالداش<sup>(۲)</sup> چون آسور را در جاهای دیگر مشغول و گرفتار دید در مملکت بابل تاخت و تاز هائی نموده و تا شهر سیپ<sup>۳</sup> یاز پیش رفته با غنائمی به شوش مراجعت کرد ( ۶۷۴ ق. م ) و بعد از چند روز مرد بعد برادر او اورتاکو<sup>(۳)</sup> به تخت نشسته با آسور روابطی برقرار کرد بدینمعنی که آسور در سال مجاءه<sup>۴</sup> کمکی به عیلام نمود و دولت عیلام بحمه رب النوع سیپ<sup>۵</sup> یاز را که در جزو غنائم آورده بود مسترد داشت در زمان اسار هادون آسور باعلی درجه قدرت رسید : آسور بها مصر را گرفته ولایات آن را غارت کردند و شاهزاده خانهای مصری را به اسارت به آسور بردند غیر از عیلام در آسیای غربی دیگر

(۱) - Esarhaddon.

(۲) - Khumban-Khaldasch.

(۳) - Urtaku.